

بسمه تعالی

تحلیل محتوا

تهیه کننده: علی پورقاسم

پائیز: 94

تحلیل محتوا چیست؟

تحلیل محتوا جزء روشهای اسنادی در پژوهش علوم اجتماعی می‌باشد. روش اسنادی به کلیه روشهایی گفته می‌شود که در آن‌ها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون برآورده می‌شود. روشهای دیگری نیز در حوزه مطالعات اسنادی وجود دارند که عمدتاً به بررسی کیفی محتوای پیام می‌پردازد.

از جمله آنها می‌توان به تحلیل تفسیری (هرمونیتک) تحلیل بدیعی (معنایی و بیان) تحلیل روایت، تحلیل گفتمان، تحلیل نشانه‌شناسی، تحلیل هنجاری و... اشاره کرد.

تحلیل محتوا از جمله روشهای اسنادی است که با 4 ویژگی اصلی مشخص می‌شود.

1- **عینیت:** نتایج تحقیق در تحلیل محتوا قابل تکرار توسط دیگران است یعنی اگر هر فرد دیگری از روش استفاده شده پیروی کند به نتایج یکسانی دست می‌یابد در نتیجه نتایج یک پژوهش تحلیل محتوایی وابسته به ذهنیت محقق نمی‌باشد.

2- **نظامند بودن:** فرایند گردآوری دادهها در تحلیل محتوا از شروع تا پایان از قواعد یکسانی پیروی می‌کند و محقق اجازه ندارد قواعد بحث شده را در حین گردآوری دادهها تغییر دهد.

3- **عمومیت (تعمیمی بودن):** نتایج بدست آمده از تحلیل محتوا قابل تعمیم به یک جامعه وسیعتر (جامعه آماری تحقیق) است.

4- **کمیت (کمی بودن):** تحلیل محتوا بوسیله شمارش و اندازه گیریهای کمی محتوای پیام پیش می‌رود.

علاوه بر این در توضیح بیشتر روش تحلیل محتوا به یک ویژگی دیگر اشاره کرد. تحلیل محتوا در زمره روشهای پنهان نگار دسته بندی می‌شود، که به تحلیل مقادیر انبوه پیام می‌پردازد و برای کار با حجم بالای پیام متناسب است.

فرایند انجام تحلیل محتوا:

تعریف محتوا یعنی واحدها مشخص شود. از میان واحدهای مختلف دست به انتخاب می‌زنیم که متناسب با اهداف تحقیق و مسئله تحقیق باید باشد.

الف: واحدهای محتوا: واحدهایی که مستقل از تحقیق معمولاً توسط تولید کننده پیام مطرح می‌شود. مانند: بیت یا مصرع در شعر و یا فریم، پلان، سکانس و... در فیلم.

واحدهای محتوایی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

1- **واحدهای فیزیکی:** مانند مسافت، طول، اندازه مثال: مدت زمانی که صحنه‌های خشونت بار رخ می‌دهد را اندازه گیری می‌کنیم و یا میزان مساحتی را که روزنامه خراسان به توافق هسته‌ای اختصاص داده را اندازه گیری می‌کنیم. و یا تأثیر شبکه bbc و یا cnn بر روی روزنامه‌های داخلی را اندازه گیری می‌کنیم از طریق قرابت موضوعی و جهت گیری آن.

2- **واحدهای معنایی (نمادین):** بر اساس معنا از یکدیگر جدا می‌شوند مانند کلمه که بر اساس معنایش می‌باشد. مثال:

من سیب خورده ام. و یا واحد مضمون که حد و مرز مشخص ندارد و تقریباً تا 80% واحدهای تحلیل محتوا واحد

کلمه کلمه کلمه

مضمون را لحاظ می کنیم.

ب: واحدهای تحقیق:

در ابتدا 4 واحد را مشخص می کنیم: 1- واحد ثبت (شمارش): واحدی که بر مبنای آن پیام اندازه گیری می شود.

2- واحد زمینه (متن): جزئی از محتوا که باید به منظور تبدیل درست محتوا به واحدهای ثبت بررسی شود.

3- واحد نمونه گیری: برای اینکه از جامعه آماری یک نمونه انتخاب کنیم باید اول حجم جامعه آماری را اندازه گیری کنیم. مثال: بررسی مضمون آزادی در روزنامه خراسان سال 1394 می توانیم بر اساس شماره روزنامه ها و یا شماره تعداد صفحات انتخاب کنیم (جامعه آماری) انتخاب 50 صفحه از روزنامه ها بصورت تصادفی و یا انتخاب 400 صفحه از روزنامه چاپ شده باشد (نمونه).

4- واحد تحلیل: بر مبنای آن دادهها را اندازه گیری می کنیم و بر مبنای آن دادهها گزارش می شوند معمولاً واحد ثبت برابر است و ممکن است از آن بزرگتر باشد و تعداد دادهها را گزارش کنیم مانند تعدادخسوت در یک فیلم. در این 4 واحد، 2 واحد ثبت و نمونه گیری دارای ارزش بالا و استراتژیک می باشد. مانند: بررسی بازنمایی پوشش زنان در سریالهای تلویزیونی سال 1390 الی 1392.

واحد ثبت: هر ویژگی پوشش که بصورت بالا تنه، پایین تنه، پوشش سرو گردن: که بصورت رنگ سارافون دامن شال شلوار و... در یک فیلم می باشد.

واحد زمینه: در یک نما از فیلم و یا سکانس انتخاب می کنیم.

واحد نمونه گیری: یک قسمت از سریال می باشد.

واحد تحلیل: ویژگی پوشش را انتخاب می کنیم.

فرایند تحلیل محتوا: چنانکه گفته شد تحلیل محتوا یک روش نظامند است بدین معنی که از روش مشخص و فرایند تعیین شده ای در طول تحقیق پیروی می کند. فرایند تحلیل محتوا شامل موارد زیر است:

1- تعریف محتوای مربوطه: در این مرحله محتوای پیامی که قرار است تحلیل شود تعریف می گردد. برای این امر ابتدا باید بدانیم واحدهای محتوا چیست؟ واحدهای محتوا عناصری هستند که بطور خاص به معنا و تولید محتوا مربوط می شوند و بیانگر عناصری هستند که بطور مستقل از تحقیق و اغلب بوسیله تولید کننده محتوا تعریف می شود. مثلاً: مصرع و بیت در شعر و یا کلمه، جمله، پاراگراف در متن. واحدهای محتوایی هستند که خارج از تحقیق ادیبان مطرح گردیده اند. صاحب نظران طبقه بندیهای مختلفی از واحدهای محتوا ارائه کرده اند. در یک طبقه بندی کلی می توان واحدهای محتوا را به دو دسته کلی واحدهای فیزیکی و واحدهای نمادین (معنایی) تقسیم کرد.

الف: واحدهای فیزیکی: اندازههای محتوا را از نظر زمان، فضای اشغال شده اندازه گیری می کند.

ب: واحدهای نمادین (معنایی): به سنجش معنای درون متن می پردازد. متداولترین این واحدها و معناترین این واحدها مضمون است. منظور از مضمون هر محدوده معنایی است که به موضوع تحقیق مربوط است.

واحدهای تحقیق: به منظور اجرای تحلیل محتوا به مثابه یک فرایند اندازه گیری ویژگیهای پیام، ما باید واحدهای اندازه گیری را در تحقیق خود تعیین کنیم. واحدهای تحقیق: واحدهای هستند که برای انجام پژوهش تحلیل محتوا باید مشخص شود. این واحدها اجزایی از محتوا هستند که از سوی محقق انتخاب و تعریف می شود. واحدهای تحقیق به 4 دسته تقسیم می شود:

1- **واحد نمونه گیری:** واحد فیزیکی است که از میان کل محتوای مورد مطالعه انتخاب می شود و براساس آن حجم جامعه آماری و به دنبال آن حجم نمونه مشخص می شود.

2- **واحد ثبت:** عنصری از محتواست که در فرایند کد گذاری طبقه بندی می شود. یک واحد ثبت جزء ای از محتواست که توسط کد گذاران شناسائی، ارزش یابی، و در طبقه مورد نظر قرار داده می شود. واحد ثبت ممکن است با واحد نمونه گیری یکی باشد و یا با آن متفاوت باشد و معمولاً این واحد از واحد نمونه گیری کوچکتر است.

3- **واحد زمینه (متن):** در بسیاری از موارد یک واحد ثبت را به تنهایی نمی توان بررسی و طبقه بندی کرد. در واقع بر اساس اینکه واحد ثبت در چه زمینه و متنی قرار گرفته باشد معناهای متفاوتی می یابد. لذا در طبقه بندی های مختلفی قرار خواهد گرفت در این وضعیت لازم است تا واحد دیگری بعنوان واحد زمینه انتخاب شود. این واحد به بخشی از محتوا اشاره دارد که می تواند واحد ثبت مورد نظر را در آن معنا کرد. واحدهای متن (زمینه) بزرگتر از واحد ثبت است و نمی تواند از آن کوچکتر باشد.

4- **واحد تحلیل:** واحدهایی هستند که از نظر آماری تحلیل می شوند تا به سؤال تحقیق پاسخ داده شوند و یا فرضیه مورد آزمون قرار گیرد. واحد ثبت می تواند با واحد تحلیل منطبق باشد. اما یک واحد تحلیل هرگز نمی تواند از واحد ثبت کوچکتر باشد.

برای مثال در یک پژوهش واحد ثبت می تواند یک کنش خشونت بار باشد. در حالیکه واحد تحلیل میانگین اعمال خشونت بار در فیلم در نظر گرفته شود.

تعریف عملیاتی مفاهیم:

مفاهیم و متغیرهای به کار گرفته شده در تحقیق به طور عملی - یعنی به گونه ای که بتوان از روی تعریف، مصادیق آن را در محتوای مورد نظر مشخص کرد - تعریف می شوند. بطور کلی دو سطح از تعریف را برای مفاهیم را می توان مشخص کرد: 1- **تعریف مفهومی (انتزاعی):** در آن مفهوم مورد نظر به مفاهیم آشناتر یا توضیحات روشنتر تعریف می شود. کارکرد این تعریف روشن شدن مفهوم به لحاظ ذهنی است ام همچنان قابلیت چندانی برای تشخیص مصادیق ندارد. 2- **تعریف عملیاتی:** در آن مفهوم مورد نظر با استفاده از شاخصها یا ویژگیهای ملموسی آن بگونه ای تعریف می شود که بتوان با استفاده از آن مصادیق مفهوم مورد نظر را شناسائی کرده و تشخیص داد. پس از آن با استفاده از

تعریف عملیاتی و احیاناً نظریه‌ها و ادبیات آن مفهوم تلاش می‌کنیم یک طبقه بندی منسجم، یعنی دارای جامعیت و مانعیت ارائه دهیم یک طبقه بندی مناسب باید جامع و مانع باشد.

جامعیت: یعنی طبقه بندی بتواند تمامی مصادیق احتمالی متن مورد بررسی را در بر گیرد. هیچ مصداقی در متن یا پیام مورد بررسی نباشد که نتوان آنرا در یکی از نظام طبقه بندی جای داد.

مانعیت: از طرفی یک طبقه بندی باید مناسب و مانع باشد یعنی هیچ مصداقی همزمان دو طرفه جای نگیرد و مرز طبقات از هم روشن و شفاف باشد. طبقات نباید با هم همپوشانی داشته باشند برای ساخت یک نظام طبقه بندی معمولاً از دو شیوه استقرائی و قیاسی استفاده می‌شود.

شیوه قیاسی: در این شیوه ما از نظریات موجود و یا استنتاج منطقی برای طبقه بندی استفاده می‌کنیم.

شیوه استقرائی: در این شیوه ما از احصاء (شمردن) نمونه‌ها و گروه بندی مصادیق مشابه و نامگذاری آنها برای ساخت نظام طبقه بندی استفاده می‌کنیم.

معمولاً در ساخت نظام طبقه بندی سطوح اول با استفاده از نظریات و شیوه قیاسی و سطوح بعدی به شیوه استقرائی ساخته می‌شود. با این حال گاهی ممکن است بدلیل فقدان نظریات در دسترس نظام طبقه بندی را از ابتدا به شیوه استقرائی تولید کنیم.

نوشتن دستورالعمل کد گذاری، کد نامه، تهیه فرم ثبت (سوال امتحانی 2نمره ای)

پس از تعریف عملیاتی مفاهیم، می‌بایستی قواعدی شفاف برای طبقه بندی مقولات تدوین شود تا کدگذاران بتوانند واحدهای مورد نظر را در طبقات مربوطه قرار دهند. برای این منظور می‌بایستی دستورالعمل یا پروتکل کدگذاری تهیه شود. پروتکل تحلیل محتوا مدرک مستندی است که تحقیق را به طور کلی و قواعد کدگذاری را به طور خاص تعریف می‌کند. در وهله اول، پروتکل حاوی قوانین کلی حاکم بر تحقیق و قواعدی است که محقق را مجبور می‌کند به طریق خاصی محتوای مورد نظر را تعریف و اندازه گیری کند.

در طول اجرای یک تحقیق غیر قابل تغییرند. محتوا باید به همان شکلی که روز اول کدگذاری شده است، تا انتها به یک شیوه کدگذاری شود.

در وهله دوم، پروتکل سند قابل نگهداری از عملیات و تعاریف تحقیق است که نشان می‌دهد تحقیق چگونه سامان یافته است. در نتیجه به سایر محققان امکان می‌دهد که نتایج را تفسیر یا تحقیق را تکرار کنند.

کدنامه مستندی است که به هر مقوله از نظام طبقه بندی عدد یک تائی را نسبت می‌دهد و جایگاه آن را در نظام طبقه بندی مشخص می‌کند.

همچنین به منظور جمع آوری ساده تر و یکسان داده‌ها و سهولت انتقال این داده‌ها به رایانه و یا تبدیل آنها به اقلام آماری، فرم‌های مشخص تهیه می‌شود که کدگذاران را موظف می‌کند هر واحد ثبت و ویژگیهای آن را در موقعیت‌های مشخص یادداشت کنند. این فرم‌ها، فرم ثبت نامیده می‌شوند.

مشخص کردن جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری تحقیق بر اساس بازه ای که مساله تحقیق مشخص می کند، تعیین می شود. به لحاظ نظری مطمئن ترین راه برای پاسخگویی به مساله تحقیق آن است که تمام جامعه آماری مورد تحلیل قرار گیرد ولی به دلایل آماری، در مواردی که حجم جامعه آماری بالاست، نمونه گیری صورت می گیرد. معمولاً بهترین نوع نمونه گیری، نمونه گیری تصادفی است که می تواند به صورت های تصادفی ساده، سیستماتیک، خوشه ای و طبقه ای و... باشد. حجم نمونه نیز بر اساس همان فرمول های کلی - نظیر فرمول حجم نمونه کوکران - محاسبه می شود و بدین لحاظ این بخش از تحقیق تابع شرایط عمومی تحقیق علوم اجتماعی است.

آنچه در نمونه گیری اهمیت دارد، انتخاب واحد نمونه گیری است. واحد نمونه گیری بر پارامترهای حجم نمونه تاثیر می گذارد و شیوه نمونه گیری را تحت الشعاع قرار دهد. لذا ابتدا باید یک واحد نمونه گیری مناسب تحقیق انتخاب کرد و سپس به نمونه گیری مبادرت نمود.

بطور کلی در نمونه گیری باید به دو مطلب توجه خاصی نمود: 1- شیوه نمونه گیری 2- حجم نمونه گیری شیوه نمونه گیری تضمین کننده اعتبار و روائی نمونه گیری است.

حجم نمونه تعیین کننده دقت و میزان قابلیت اطمینان نونه گیری است.

شیوه نمونه گیری مناسب آن است که در آن همه اعضای یک جامعه آماری شانس برابری برای انتخاب شدن داشته باشند. به همین منظور از نمونه گیری تصادفی استفاده می کنیم. معمولاً در روشهای اسنادی از شیوه نمونه گیری تصادفی سیستماتیک استفاده می کنیم. بدین ترتیب که ابتدا:

حجم جامعه آماری بر حجم نمونه مطلوب تقسیم می کنیم.

جزء صحیح عدد صحیح را می گیریم و یک واحد به آن اضافه می کنیم این عدد را عدد فاصله می نامند.

بطور تصادفی ساده یک عدد بین 1 تا عدد جزء صحیح عدد بدست آمده در بند 2 (6) انتخاب می کنیم.

اولین عضو منتخب نمونه برابر با عدد شروع در فهرست مرتب شده در اعضای جامعه آماری است.

برای انتخاب سایر اعضای نمونه عدد فاصله را به عضو انتخابی قبلی اضافه می کنیم.

در صورتی که به انتهای فهرست رسیدیم و هنوز تمامی اعضاء نمونه را انتخاب نکرده ایم به اول فهرست بر می گردیم.

برای محاسبه حجم نمونه 3 پارامتر مؤثر است:

دقت برآورد (بازه اطمینان): بعنوان مثال بر اساس میانگین برآورد شده از نمونه تحقیق بر آورد می کنیم که میانگین

جامعه برابر با $2/7+0/1$

اطمینان برآورد: به این معنی که بر آورد بدست آمده را با چه اطمینانی می توان به جامعه آماری نسبت داد معمولاً در

پژوهشها اطمینان مورد قبول در انتساب برآورد بر جامعه 95% است پارامتر مناسب یا برآورد اُمی باشد.

واریانس جامعه آماری (s^2): نشان دهنده پراکندگی مقادیر متغیر مورد نظر در جامعه آماری است. در مواردی که

متغیر مورد نظر یک متغیر 2 مقدار می باشد (فقط 2 مقدار صفر یا 1 ویا بلی ویا خیر را اخذ کند. بجای واریانس از حاصل

ضرب احتمال حضور مقدار اول مثلاً (-0-) در جامعه آماری در احتمال حضور متغیر دوم (1) استفاده کنیم.

احتمال حضور مقدار اول در جامعه آماری $p=$

احتمال حضور مقدار دوم در جامعه آماری $p=$

$$P+a=1$$

حجم جامعه آماری بصورت تقریبی به فرمول کوگرین محاسبه می شود. که در آن d یا بازه خطا را خودمان انتخاب می کنیم
 یعنی تصمیم می گیریم با چه میزان از خطا بر آورد داشته باشیم مانند 03/02/01/ و...
 T را برای اطمینان 95% تقریباً برابر $2(1/96)$ انتخاب می کنیم و s^2 یا PQ بر اساس بر آوردی که از جامعه آماری داریم محاسبه s^2 قدری دشوار است. اما در مواردی که از یک متغیر 2 مقداری می خواهیم استفاده کنیم می توانیم حداکثر مقدار ممکن را که PQ می تواند اخذ کند (برابر با 25%) را جایگزین s^2 نماییم.

آموزش کدگذاران و محاسبه قابلیت اعتماد آزمایش:

هر چقدر عملیاتی سازی مفاهیم، دستورالعمل کدگذاری، کدنامه و فرم های ثبت صریح و شفاف باشند، باز هم نیاز به آموزش کدگذاران وجود دارد. آموزش کدگذاران میزان قابلیت اعتماد تحقیق را بالا می برد و از خطاهای احتمالی ناشی از تفسیرهای متفاوت از متون جلوگیری می کند. آموزش کدگذاران می تواند به دو بخش آموزش نظری و کارگاه عملی تقسیم شود.

در آموزش نظری، موضوع تحقیق مساله یا سوالات محوری و متغیرها و نحوه عملیاتی سازی آنها برای کدگذاران توضیح داده می شود و آنان در جریان روند تحقیق قرار می گیرند. همچنین دستورالعمل کد گذاری، فرم ثبت و کدنامه مرور می شود و موارد آن برای کدگذاران تفهیم می شود و چنانچه اشکال یا ابهامی در آنها وجود داشته باشد، برطرف می گردد.

در کارگاه عملی، تعدادی از متون نمونه تحقیق انتخاب و به طور عملی ابتدا به طور دسته جمعی و همراه با هم و سپس به صورت انفرادی و مقایسه تفاوت ها، تحلیل محتوا انجام می شود.

پس از رسیدن به اجماع کافی، نمونه ای تصادفی از متن به کدگذاران داده می شود و پس از تحلیل محتوا، میزان قابلیت اعتماد میان آنان اندازه گیری می شود. چنانچه این قابلیت اعتماد به حد کفایت برسد، وارد مرحله بعد می شویم.
 برای محاسبه قابلیت اعتماد معمولاً از آزمون اسکات استفاده می شود که در آن توافق تصادفی بین کدگذاران حذف شده و میزان توافق بین آنان را اندازه گیری می کنند. فرمول P_i اسکات به صورت زیر می باشد:

$$p_i = \frac{OA\% - EA\%}{1 - EA\%}$$

که در آن OA : درصد توافق مشاهده شده، و EA : درصد توافق مورد انتظار است.

کدگذاری و ثبت داده ها توسط کدگذاران

پس از آموزش کدگذاران و به حد کفایت رسیدن قابلیت اعتماد آزمایشی، فرآیند کدگذاری آغاز می شود.
 برای کاهش یا به حداقل رساندن تفاوت میان کدگذاران، مطالعه باید از یک رویه واحدی پیروی کند مثلاً آن رویه واحد مشخص می کند که چه مقدار محتوا در طول یک جلسه کدگذاری شود یا حداکثر زمان یک جلسه کدگذاری چقدر

باشد. یک رویه هم ممکن است تصریح کند که هر جلسه کدگذاری با خواندن و مرور کامل پروتکل شروع شود. هدف از این کار تجدید حافظه کدگذاران در مورد تعاریف طبقات است. به طور کلی اختلاف نظر میان کدگذاران دو منشاء می‌تواند داشته باشد:

الف - مشکلات ناشی از طبقه بندی، که به دلیل طبقه بندی مبهم، تداخل میان طبقات، قابلیت تعدد تفاسیر از مفاهیم عملیاتی سازی شده

ب - مشکلات کدگذاران، که می‌تواند ناشی از عدم توجیه یا کارایی برخی از کدگذاران باشد.

محاسبه قابلیت اعتماد نهایی

اگر بناست نتایج تحقیق معتبر باشد، باید داده های بدست آمده در تحقیق از پایایی لازم برخوردار باشند. پایایی شرط لازم برای اعتبار است، معمولاً قابلیت اعتماد در تحلیل محتوا به میزان توافق میان کدگذاران مشخص می‌شود در مورد حجم نمونه برای محاسبه قابلیت اعتماد، میان محققان اختلاف وجود دارد. بطوریکه برخی بین 10 تا 20 درصد و عده ای دیگر بین 5 تا 7 درصد نمونه تحقیق را پیشنهاد کرده اند.

سطح مطلوب قابلیت اعتماد

هر یک از فرمول های پیشنهاد شده، سطح خاصی را پیشنهاد کرده اند. اندازه معمول ضریب قابلیت اعتماد مورد پذیرش برای اکثر تحقیقات بین 80 تا 90 درصد است؛ اما تحقیقاتی که برای اولین بار وارد عرصه های جدید می‌شوند و دارای مفاهیمی هستند که ارزش تحلیلی بالایی دارند می‌توانند سطح قابل پذیرش را کمی پایین بیاورند. به هر حال تحقیقات اساسی و مهم در تحلیل محتوا که ضریب قابلیت اعتماد آنها از 70 درصد کمتر باشد، برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل روبرو خواهند بود.

تحلیل و گزارش نتایج تحقیق

تحلیل داده ها بایستی در راستای پاسخگویی به سوال و مساله تحقیق باشد. مسلماً حجم داده ها، تحلیل های فراوانی را برای یک محقق بر می‌انگیزد؛ با این حال بایستی توجه داشت که در تحلیل بر روی سوال تحقیق متمرکز شد و از ارائه اطلاعات و تحلیل های زائد خودداری کرد.

معمولاً در تحلیل داده ها، استفاده از آزمون های آماری مورد نیاز است. نرم افزارهای آماری عمومی نظیر SPSS، می‌توانند به محقق کمک کنند. نرم افزارهای ادبی و محاسباتی خاصی مانند اکسل، قابلیت بالائی در تحلیل محتوا دارند. در فرایند تحلیل گزارش بایستی در گام اول فراوانی ارزشهای مختلف کدنامه را در سطوح مختلف محاسبه و گزارش کرد. این امر شامل 1: متغیر اصلی تحقیق و 2: متغیرهای فرعی تحقیق است. همچنین ممکن است بخواهیم بین متغیرهای اسنادی تحقیق میزان همبستگی را محاسبه کنیم.

با آرزوی موفقیت برای تمامی دوستان

علی پورقاسم